



تبیین نقش رویکرد های تجدد طلبانه بر سیاست شهری ایران و ازبکستان در دوره معاصر (اواخر دوره قاجار و پهلوی اول)

نویسنده: نازنین اسلامی^۱



و اجتماعی حاکم بر جوامع را بر چگونگی شکل گیری معماری این دو سرزمین در دوره معاصر مورد بررسی و قیاس قرار گیرد. تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و تغییر ساختارهای جمعیتی مهاجرت روستاییان و کوچ نشینان به شهرها) در کشور ازبکستان در دوره معاصر شامل تحولات گسترده ای بوده است که تأثیرات آن در همه حوزه های هنر و معماری آشکار است. هدف از این پژوهش، شناخت و بررسی نقش جریانات فکری، اجتماعی و فرهنگی تجدد طلبانه و همچنین شرایط سیاسی حاکم بر جامعه در شکل گیری سیاست های شهری ایران و ازبکستان می باشد تا به این سوالات پاسخ داده شود: جریانات فکری، اجتماعی و فرهنگی نوگرا و همچنین شرایط سیاسی حاکم بر ایران و ازبکستان در دوره معاصر چه تأثیری بر شکل گیری معماری این دوره داشته است؟ معماری معاصر ایران در مقایسه با معماری معاصر ازبکستان تا چه حد توانسته است از الگوهای تاریخی و هویتی مشترک در جهت بازبانی و احیای ریشه های فرهنگی و تاریخی خود بهره ببرد؟ این پژوهش به صورت تطبیقی و با رویکردی کیفی به کمک مطالعات اسنادی و میدانی صورت گرفته است که از روش تحقیق تاریخی-تفسیری در بخش گردآوری مبانی نظری تاریخی و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در زمینه تحلیل آثار معماری استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهند که مولفه های سبک شناسانه در هر سه بعد عینی، عملکردی و کالبدی در دو کشور به صورت مشابه تجلی یافته اند اما ازبکستان از سال ۱۹۷۱ م. تا کنون سعی در بازبانی ریشه های تاریخی و هویتی خود داشته است که نمونه بارز دستیابی به سبک ملی گرا را می توان در تزئینات و طرح های دوران اسلامی به کار گرفته شده در نمای ساختمان های ساخته شده در این دوران مشاهده نمود.

واژگان کلیدی: معماری معاصر ایران، معماری معاصر ازبکستان، شهرسازی معاصر ایران، شهرسازی معاصر ازبکستان، مدرنیسم.

آموزته دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، واحد بندر
شماره ۱، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران



MDOI-01-2026.0018
1463475

پدیده ای متکی بر اندیشه و آمیزه ای از عواطف، احساسات و دانش فنی است. شناخت این پدیده در ادوار مختلف مگر با کمک دستیابی به کنه اندیشه و حد دانش فنی آن دوران و آنچه امکان دستیابی به این شناخت را فراهم می آورد، جز آنچه که از آن دوران و یا در آن دوران به ثبت رسیده است، نیست، خواه متون باشد خواه آثار ساخته شده. ارزیابی و بررسی معماری اروپا، امریکا و ممالک پیشرفته صنعتی به خصوص در ممالکی که رشد و پیشرفت آن ها از یک تداوم طبیعی و تدریجی برخوردار بوده است، کار مشکلی نیست. ولی اگر خواسته شود همین سیستم فکری در مورد معماری گذشته ایران و ازبکستان مورد بررسی قرار گرفته شود، به خوبی دریافت می شود که مجموعه تحولات معماری در ایران و همچنین در کشور ازبکستان علاوه بر اینکه تحت تسلط شرایط اقلیمی خاص این مناطق قرار داشته و صرف نظر از اینکه عوامل اقتصادی بر آن تأثیر داشته، دو عامل مهم دیگر، یکی سنت های قدیمی و دیگری سیستم سیاسی حاکم بر زمان و جریانات فکری، در به وجود آوردن معماری معاصر این دو منطقه به شدت تأثیر گذار بوده اند. به همین دلیل دسته بندی های سبک شناسانه ای که توسط محقق در این پژوهش در مورد معماری معاصر ایران و ازبکستان صورت گرفته است، با سلسله های حاکم بر ممالک رابطه مستقیم دارد. گستره تاریخی برگزیده مولف، گذار به سده بیستم و یکم میلادی است و آغاز دهه های بعد از انقلاب مشروطیت ایران، هنگامی که نخستین فرآورده های نو به میدان می آیند. از گذشته های دور ازبکستان جزئی از قلمرو اصلی ایران به شمار می آمده اند و داشتن ریشه های غنی فرهنگی و تاریخی مشترک میان آن دو سعی بر آن است تا با طرح مطالعه تطبیقی تأثیر جریان های فکری و سیاسی



مقدمه

در مسیر تاریخی تمدن ایران، بعد از دو واقعه مهم ظهور اسلام و حمله و استیلای طولانی مغول ها، گرایش به غرب به عنوان سومین حادثه، شاید مهم ترین اتفاق تاریخی ایران باشد. حادثه ای که بر خلاف وقایع قبلی به دور از برخورد یا تهاجم قهریه صورت گرفت و بدون آنکه نشانی از جنگ و یا کشورگشایی داشته باشد با روند تدریجی-تسخیری خود به گونه ای که از ویژگی های دوران مدرنیته است مورد اقبال و پذیرش خاص و عام قرار گرفت. هدف از این پژوهش، شناخت دگرگونی های ایجاد شده بر مبنای اندیشه ها و روش های تغییر شکل یافته در معماری معاصر ایران است. همچنین می توان گفت قصد این نوشتار پردازش و آگاهی از تفکرانی است که تحول معماری معاصر ایران را خودآگاه یا ناخودآگاه شکل داده است. از این رو در شروع بحث، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در دوره قاجار مورد بررسی قرار گرفته که می توان گفت مقدمه ای بر تحولات معماری این دوره است. سپس به مجراهای آشنایی ایرانیان با فرنگ اختصاص یافته و تاثیر اندیشه های غرب در محیط های علمی و بستر اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. سپس برخی از مهم ترین ساختمان های دوره قاجار، که هم سو با سنت های ایرانی و عناصر وارداتی غرب طراحی شده اند، می پردازد. سپس تحولات معماری ایران در دوره پهلوی اول و اغلب از مجرای کارهای معماران خارجی و تحصیلکردگان ایرانی، بیان گردیده است. در راستای دستیابی به اهداف پژوهش در ابتدا تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ازبکستان از سال ۱۹۲۰-۱۸۷۰ م. (مقارن با اواخر دوره قاجار از سال ۱۳۰۴-۱۲۵۰ ه.ش) مورد بررسی قرار گرفته شده است زمانی که شروع استعمار شوروی به واسطه پیمان آخال بر مناطق مرکزی آسیای میانه آغاز می شود و تقریباً یک دوره ۱۱۰ ساله ادامه می یابد و معماری شکل گرفته در این دوران (از سال ۱۹۹۰-۱۸۸۱ م.) تحت تاثیر رویکردهای نوگرایانه و مدرنیسم شوروی قرار می گیرد. بدین ترتیب تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ازبکستان از سال ۱۹۲۰-۱۸۸۱ م. (مقارن با اواخر دوره قاجار) ۱۹۴۰-۱۹۲۰ م. (مقارن با دوره پهلوی اول) مورد بررسی قرار گرفته شده است. در گام آخر براساس مبانی نظری مطرح شده، مقایسه تطبیقی شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران و

ازبکستان و نیز مقایسه تطبیقی سبک های معماری رایج در این دوران در کشورهای ایران و ازبکستان صورت گرفته است.

روش تحقیق

با توجه به اینکه مطالعات این پژوهش در حوزه تاریخ، فرهنگ و معماری می باشد به لحاظ محتوا کیفی به شمار می رود که اساس آن پژوهش تاریخی-تفسیری است. در بخش نخست مطالعه اسنادی در مورد زمینه های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تاثیر گذار بر معماری معاصر ایران در دوره قاجار و پهلوی اول و ازبکستان در سال های ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۰ صورت گرفته است و در بخش دوم با مطالعه جریان های معماری معاصر ایران و ازبکستان به صورت اسنادی و مطالعه میدانی، مقایسه تطبیقی میان معماری معاصر این دو کشور و عوامل تاثیر گذار بر آن ها صورت پذیرفته است.

پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات اندکی در باب مقایسه معماری معاصر ایران و معماری معاصر ازبکستان انجام شده است و از لحاظ تاریخی بیشتر به بررسی معماری سنتی و تاریخی سرزمین ماورالنهر و ترکستان پرداخته شده است اما می توان مطالعات انجام شده در این حیطه را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- از معدود منابعی که به بررسی معماری معاصر ازبکستان می پردازد می توان به مقاله زمانی و سلطانزاده (۲۰۱۷) با عنوان " بررسی تطبیقی کیفیات بینامتنیت در ساختمان های عمومی معاصر در ازبکستان با آثار معماری این کشور در دوره تیموری (سال های ۱۹۶۰-۱۹۹۰) " اشاره کرد. این پژوهش به بررسی و تفسیر روابط و کیفیات بینامتنیت در ساختمان های عمومی ازبکستان با معماری سنتی این کشور در دوره تیموری می پردازد و با تجزیه و تحلیل جامعه نمونه به بررسی روابط معنادار در معماری معاصر این کشور می پردازد.

در حیطه علوم اجتماعی و سیاسی نیز می توان به مقاله بدری (۱۳۹۱) (با عنوان " تحولات سیاسی و اجتماعی آسیای مرکزی در سده نوزدهم میلادی " اشاره کرد که آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، تحولات سیاسی-اجتماعی آسیای میانه در قرن نوزدهم است که منجر به از دست رفتن استقلال این ناحیه و ضمیمه شدن آن به روسیه گردید .



برآمدند اعضای وزارت امور خارجه بودند^۱ کسانی که به خارج سفر کردند یا در خارج از مملکت به سر می بردند^۲ و نیز بازرگانان که به

تجارت خارجی مشغول بودند به گسترش افراد جدید پیوستند (لمبتون، ۱۳۷۵: ۵۵). زمینه های تغییر و تحول تدریجی در دوره قاجار سرعت بیشتری در اواخر این دوره گرفت. شکست و برنامه های نیم بند نوسازی در عصر قاجار و به همراه آن سقوط تدریجی دولت، زمینه و نیاز به تحولی را در کشور ایجاد کرد که نام " نهضت مشروطیت" به خود گرفت. این نهضت زمینه ساز دگرگونی ایران بوده و بیان اندیشه و نوسازی در این نهضت منبع برخی الهامات دوره پهلوی اول در زمینه اصلاحات و نوسازی بوده و بدیهی است توجه و دقت در عرصه تحولات معماری و شهرسازی، منوط به شناخت این اندیشه های نوسازی است (خلیلی خو، ۱۳۷۳: ۷۵).

اندیشه های نوسازی در عرصه سیاست های شهری و معماری

آنچه در دوران قاجار شاهد شکل گیری آنیم، التقاط یا ظهور اشکال دورگه و به بیانی شکل گیری مفاهیم و فرم های هیبریدی است. ظهور اشکال و مفاهیم دورگه با پدیده جهش های فرهنگی که در پی تداخل جهان های نامتجانس حاصل می شوند، در پیوند است. ساخت کاخ و قصر مشخصه بارز این دوره تاریخی است. تشریفات و مراسم درباری به کاخ انعطاف خاصی از نظر جا و راحتی داد، چرا که کاخ بیشتر برای آن مطرح شده بود که تعداد زیادی خدمه و درباری را در خود جای دهد. ساخت کاخ و قرین شدن آن با باغ نیز موید همین دیدگاه است. در وسط این باغ ها ساختمانی وسیع ساخته می شد که تزیینات پر زرق و برقی داشت، و جایی بود که در آن مراسم و اجتماعات برگزار می گردید و جای بزرگی برای مهمانی های بزرگ نیز به شمار می رفت. دور این ساختمان ها را باغ بزرگی فرا گرفته و آلاچیق های درختی و بیشه در آن احداث شده بود. می توان کاخ را یک نمایشگاه هنری دانست. در دوران بعدی، آخرین عنصر نیز به آن اضافه شد، یعنی باغ وحش، عنصری که در ایران کاملاً وارداتی و سوغات فرنگ بود. این نهادهای کاخی، یکی پس از دیگری حضور خود را بر توسع شهر، قطعیت می بخشیدند، و با حمایت درباریان و گاه با حمایت چهره های شاخص اقتصادی ساخته می شدند و شاید بزرگ ترین این گروه ها مربوط به ایجاد پارک ها

۲- در باب معماری معاصر ایران می توان به کتاب بانی مسعود (۱۳۸۸) با عنوان " معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته " اشاره کرد که محور اصلی کتاب در راستای نحوه مواجهه ایرانیان با عالم جدید و تاثیر آن در معماری ایران، از دوره ی قاجار تا سه دهه بعد از انقلاب اسلامی است. و نیز کتاب " نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران " سیروس باور (۱۳۸۸) که محور اصلی کتاب در راستای بررسی عواملی که در پیدایی تغییر در نحوه ی دید و فکر مردم در دوره معاصر موثر بوده و همچنین مجموعه فعالیت هایی که توسط مشروطه خواهان آغاز شد، تدوین شده است. فعالیت های ساختمانی به دوره های تاریخی تقسیم بندی شدند، که این دوره ها نیز با تغییرات و تحولات سیاسی هم زمان اند. همچنین کتاب مصطفی کیانی (۱۳۹۳) با عنوان " معماری دوره ی پهلوی اول " این کتاب دگرگونی اندیشه ها و تغییرات بنیادین و تاثیرات آن را در معماری و شهرسازی جست و جو می کند و به طور مشخص دوره ی بیست ساله تاریخ و تحولات معماری و شهرسازی معاصر ایران (۱۳۲۰-۱۳۹۹) را مورد کنکاش قرار می دهد.

شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نو گرا اواخر دوره قاجار در ایران

در دوران فرمانروایی سلسله قاجار شاهد تغییرات مهمی در ایران می باشیم. به ویژه آنکه یک حکومت مرکزی پایدار دوباره بنا نهاده شد و قدرت های اروپایی نیز به ایران دست اندازی نمودند. در بسیاری از متون تاریخی نیز از این دوره با نام " دوره گذار " یا انتقال یاد می شود. بدین معنا که دوره قاجار با تمامی فراز و نشیب هایش حلقه واسطه گذشته سنتی با آینده مدرن آن است. قرن دیر پای نوزدهم میلادی، شاهد اصلاحات اولیه و تقویت خود در برابر تهدیدات آینده، و نیز تغییرات اجتماعی و اقتصادی، از جمله نوسازی و انواع گوناگون ناآرامی ها و آشفتگی ها بود. در قرن گذشته که ایران فشار تحولات دنیای جدید را حس کرد، جامعه در همه زمینه ها به شکل سنتی به سر می برد. از این دوره مرحله ای انتقالی از کهن به نوین را طی کرد. جریان های فکری جدید که در اواخر دوره قاجار بروز کرده بود در حوزه های مختلف و از طریق سیاست، تجارت، مسافرت ایجاد شد. " در مرحله نخست کسانی که درصدد یافتن علل عقب ماندگی ایران در برابر اروپا و درمان این ضعف ها



ذکر است که قبل از این نقشه، نقشه ای در سال ۱۲۵۸ هجری قمری (۱۲۲۱ خورشیدی/۱۸۴۲ میلادی) توسط جهانگرد روسی، مسیو الیا نیکولایویچ بره زین، تهیه و منتشر شده بود. در نقشه بره زین کوچه های تنگ تهران به وضوح در اطراف محور بازار که آشکارا فعال ترین بخش شهر بود و به دروازه شاه عبدالعظیم باز می شد، به چشم می خورد. شهر در این دوره فضای بازی نداشته، تقریباً فاقد بناهای بزرگ بوده و تنها فضای باز آن میدان شاه بوده که بین بازار و ارگ قرار داشته است. نقشه کرشیش نسبت به نقشه تهیه شده توسط بره زین، از دقت و اطلاعات بیشتری برخوردار است. این موید نوسازی شهر و توسعه آن است. نقشه ارگ نیز مفصل تهیه شده است. شش دروازه در این نقشه مشخص شده و دروازه قزوین تنها فضای عمومی باز سبزه میدان (میدان شاه سابق) است. در این نقشه شهر در خارج از حصار هنوز رشد و توسعه نیافته است.

نقشه دیگری نیز از تهران در سال ۱۳۰۹ هجری قمری (۱۲۷۰ خورشیدی/۱۸۹۱ میلادی) توسط عبدالغفار (نجم الملک) تهیه شده است. در این نقشه ترتیبات شهر بسیار مهم است، زیرا خیابان های مستقیم و کالسکه رو (لاله زار، علا الدوله) در محلات جدید و در محل حصار قدیم صفوی احداث شده اند. در شمال ارگ دو میدان عظیم به وجود آمده است: میدان مشق و میدان توپخانه. قلب شهر همان بازار قدیمی است که مدخل آن همچنان در جنوب ارگ قرار دارد (مقتدر، ۱۳۷۵: ۴۱-۳۹).

معماری با گرایش سبک غربی از بناهای دربار شروع شد و سپس طراحی شهری تهران را در بر گرفت. در دوره ناصری معماری عمارت ها و قصر های ارگ مانند عمارت حرمانخانه و خوابگاه ناصر الدین شاه و عمارت شمس العماره، تحت تاثیر اسلوب عمارت ها، قصر ها و ساختمان های اروپایی بود. کشیدن راه آهن از تهران به حرم حضرت عبدالعظیم در سال ۱۲۶۷ هجری قمری (۱۲۳۰ خورشیدی/۱۸۵۱ میلادی) نیز یکی از مظاهر تمدن غرب بود. نتیجه اینکه تهران تا اواسط دوره ناصری صفات شهرهای ایرانی-اسلامی را داشت، بر اثر التقاط فرهنگی و برخی عوارض غربی، نه تنها درگیر گسترش تدریجی مناسبات سرمایه داری و سلطه گری دول اروپایی گردید، بلکه به لحاظ جغرافیایی و فرهنگی نیز دچار ظواهر فرهنگ مادی اروپایی شد. به طوری که بخش قدیم شهر ویژگی سنتی و بافت قدیمی خود را حفظ کرد و این در حالی بود که چهره بخش

بود. این سیمای شهری به دلیل نقش مهمی که در ایجاد سایر زمینه های فرهنگی و تفریحی داشت، بیش از همه اهمیت یافت. گسترش و ایجاد پارک های وسیع در قلب شهرها، شاید ارزنده ترین خدمت کاخ به زندگی شهری بود. از سویی می توان معماری قاجار را از زاویه خلاقیت های فضایی آن ارزیابی نمود. در این دوره تنوع فضاها بیشتر می شود، فضاها ی نوینی خلق می شوند، فضاها به گشایش و سبکی بیشتری می رسد و الگوهای قدیمی معماری ایران در جهت گسترش فضا تکامل می یابد (میرمیران، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۷).

دوران حکومت ناصر الدین شاه قاجار از زاویه تحول و پیشرفت و به خصوص دگرگونی در مناسبات اجتماعی یکی از مهم ترین ادوار حاکمیت شاهان قاجار است. این دوره به رغم نفوذ قدرت مذهبی در دستگاه سلطنتی و جامعه، بنا بر مقتضیات زمان (از جمله انقلاب کبیر فرانسه و نفوذ استعمار)، دوره تماس با تمدن غرب و آشنایی با اوضاع دنیای جدید و تحولات اجتماعی و صنعتی غرب و توجه به اخذ دانش و فنون غربی بود.

برخورد فناوری اروپایی با فرهنگ سنتی ایرانی در دوره ناصری، به پذیرش آرام اندیشه ها و مظاهر مادی غرب، خصوصاً در تهران انجامید و نبرد سنت و تجدد در اواسط حکومت ناصر الدین شاه به اوج خود رسید. تجدد، معماری تهران و سبک زندگی ساکنین تهران را دگرگون کرد. از جمله آثار غرب گرایی در معماری این دوره، ساخت برخی مدارس و بناهای فرهنگی و مسکونی به سبک غربی با زمینه معماری ایرانی بود. به طور خلاصه تمامی اقداماتی که در مدت پنجاه سال از آغاز سلطنت فتحعلی شاه صورت گرفت، زمینه را برای تاسیس دارالفنون آماده و مهیا ساخت. از جمله این اقدامات می توان به مواردی از این دست اشاره کرد: استخدام معلمان خارجی، اعزام محصل به اروپا، دایر شدن مدارس فرانسوی و موسسات امریکایی، تاسیس چاپخانه سنگی، انتشار نخستین روزنامه فارسی زبان به مدیریت میرزا صالح شیرازی، تعلیم زبان فرانسه و انگلیسی و ترجمه کتاب و رساله از زبان های اروپایی با فارسی (صدیق، ۱۳۵۴: ۲۹۷-۲۹۵).

در این دوره، نخستین نقشه اصولی تهران در سال ۱۲۷۵ هجری قمری (۱۲۳۷ خورشیدی/۱۸۵۸ میلادی) توسط آگوستیوس کرشیش، استاد اتریشی مدرسه دارالفنون و به کمک دو تن از شاگردانش، ذوالفقاریک و محمدتقی خان، تهیه شد. البته لازم به



دستور زبان شهرسازی این دوره خود را از نحله های مختلفی می گرفت. در یک سو "اصولگرایان" قرار داشتند که به فرهنگ ملی - تاریخی ایران توجه داشتند، در سوی دیگر "بوم گرایان" بودند که باور داشتند می توان دستاوردهای غرب را در ایران بومی ساخت (روش تلفیقی یا ترکیبی) و در نهایت نیز "غرب باوران" و یا "غربزدگان" که معتقد بودند تنها چاره کار در این زمینه فرنگی مآب شدن و اخذ مظاهر تمدن غرب - به ویژه در صورت و ظاهر- است (حبیبی، ۱۳۸۴: ۳۴-۱۳۹). شهرسازی مبتنی بر غرب که صبغه اصلی این دوره به شمار می رود، عمدتاً فضاهای عمومی شهری از جمله آرایش میدانی جدید الاحداث، چهارراه ها و تقاطع خیابان ها نشان داد. به طور نمونه می توان به اسلامبول، میدان حسن آباد، میدان فردوسی - چهار راه لاله زار و ... اشاره کرد که تحت تأثیر شهرسازی اروپایی شکل گرفتند (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۷۰). در این دوره توسط اروپایی ها و بر مبنای تفکر سرمایه داری تدارک ؛ مثلاً نقشه شهرهایی چون تهران و همدان توسط مستشاران فرانسوی و آلمانی در سال ۱۳۱۶ و ۱۳۱۰ ش. تهیه و اجرا شد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۶۵). بنابراین شهرسازان و معماران این دوره غالباً یا خود اروپایی بودند (مارکوف، سیرو، دوبرول، گذار) و یا متخصصان ایرانی دانش آموخته در غرب بودند (هوانسیان، گورکیان، آبکار، فروغی و ...). علاوه بر این معروف ترین و بزرگ ترین شرکت های پیمانکاری در زمینه شهرسازی نیز اروپایی بودند (ساسکس، لیچفیلد و ...؛ (باور، ۱۳۸۸: ۶۶) خیابان کشی های جدید تهران با الگوی خطوط راست که بود، مدل این کار شد. جانمایی عناصر شهری، ۱۹ میراث قرن میدان های متفاوت و نماسازی شده در تقاطع خیابان ها، بافت شطرنجی توسعه شهر، اجرا و احداث بلوارها، خیابان بندی صلیبی شکل، ایجاد ساختمان ها به سبک غربی و شبکه حمل و نقل همگی عناصر گریته برداری شده از شهرسازی غربی بود. بدین ترتیب فضای عمومی شهرهایی چون تهران به سبک و سیاق شهرهای نوین قرن نوزدهم اروپا شکل گرفت (صفامنش، ۱۳۷۸: ۲۵۵). این تحولات شهرسازی متأثر از جنبش شهرسازی مدرن بین الملل به مدد و البته در بستری -تجارب اروپا و توسط کارشناسان خارجی در راستای شبیه سازی شهرهایی چون تهران به -غیر از اروپا شهرهای مدرن اروپایی انجام شد و مجری قدرتمند آن افراد

جدید شهر با دارا بودن ساختمان های به سبک و شیوه اروپایی به تدریج خود را از شیوه سنتی و رایج ایران جدا کرد. تهران دوره ناصری از زاویه نگرش بر روند سرمایه داری و دگرگونی و توسعه شهری یکی از مهم ترین ادوار تحول خود را شاهد بود. ضرورت تاریخی در مسیر رشد و بسط و تکامل اولیه سرمایه داری در ایران، زمینه ساز تغییرات محسوس در ساختار جامعه شهری به خصوص در گستره تجدد گرایی و الگو برداری از جوامع کشورهای صنعتی اروپا گردید. تا جایی که ناصر الدین شاه در دوران زمام داری خود دوبار محدوده تهران را تغییر داد و بر وسعت آن افزود، و برج و باروی تازه ای به دور آن کشید، و دروازه های جدید بنا نهاد. تهران در اواخر دوره ناصری چنان رشد کرد که استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی ضرورت یافت. از این رو دولت در سال ۱۲۸۴ هجری قمری (۱۲۴۶ خورشیدی / ۱۸۶۷ میلادی) به میرزا جواد خان، که از کارمندان عالی رتبه وزارت امور خارجه بود، امتیاز ایجاد شرکت درشکه رانی را واگذار کرد و در همان سال شرکت افتتاح شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۱۳-۳۱۲). از مهم ترین ابنیه ای که در دوره ناصری در تهران ساخته شد، می توان به مواردی از این دست اشاره کرد: مدرسه دارالفنون، تجدید بنای کاخ نیاوران، بنای عمارت دوشان تپه و قصر فیروزه، قصر عشرت آباد، قصر یاقوت، عمارت سلطنت آباد: مدرسه و مسجد سپهسالار و باغ بهارستان: ارگ و مجموعه ساختمان های کاخ گلستان، میدان مشق، تکیه دولت، عمارت شمس العماره و احداث و توسعه راه آهن.



تصویر ۱. خیابان سر در الماسیه نخستین خیابان که به تقلید از اروپاییان در تهران ایجاد شد (بهشتی، ۱۳۹۴: ۸).

الگوها و متدهای تحول در سیاست شهری



حکومت قاجار و روابط آنان با آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میلادی سیاست فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصر

الدین شاه در آسیای مرکزی

بعد از شکست های ایران از روسیه و تضعیف دولت مرکزی نفوذ ایران در بعضی مناطق از جمله ماوراءالنهر و ترکستان تابع دولت ایران بودند و شاه فرمان حکومت آن نواحی را برایشان صادر کرد، ایران نسبت به آن ناحیه حاکمیت صوری داشت کم رنگ گردید (عسگری و کمالی، ۱۳۷۴: ۱۹۲-۱۹۱)

با فوت عباس میرزا و فتحعلی شاه ترکمن های حوالی خراسان و استر آباد تجاوزات و شرارت های سابق را از سر گرفتند و به کاروان ها و مسافران دستبرد می زدند و آنان را به اسارت و بردگی می بردند. دولت ایران نمی توانست به راحتی به این آشوب ها پایان

نظامی همچون سرلشکر بوذرجمهری، تیمسار هوشمند، سرهنگ بهرامی بودند (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۸۲).



تصویر ۲. خیابان پهلوی از اولین خیابان های دستوری تهران با قوانین از پیش تعیین شده مدیریت شهری (آقایی، ۱۳۹۰: ۱۱۶)



رویکردهای نوگرایانه تأثیرگذار بر شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران

ویژگی های معماری و شهرسازی متأثر از رویکردهای نوگرایانه

نمودار ۱. رویکردهای نوگرایانه تأثیرگذار بر شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عرصه های معماری و شهرسازی ایران در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول (نگارنده)



آوردند و این گونه از دست نیروهای دولتی رهایی یافتند (جهانگیر میرزا، ۱۳۳۷: ۱۶۲-۱۶۱).

فرماندهان روسی نه تنها هیچ کمکی به ایران نکردند حتی باب مراوده با سران ترکمن را باز کردند. در سال ۱۲۵۶ ه.ق دسته ای از کشتی های روس به پهناهی جلویی از آشوب و ترکتازی ترکمن ها دست اندازی به سواحل خزر را آغاز کردند جزیره ای آشوراده را اشغال کردند و آن را مقر دریایی خود قرار دادند و پایگاه نظامی در جزیره تاسیس نمودند (تکمیل همایون، ۱۳۷۹: ۴۴-۵۵). هر چند ایران به این اقدام اعتراض کرد اما روسیه به آن توجهی ننمود و حتی به حاکم مازندران هشدار داد که از تحریک بومیان جزیره علیه اشغالگران خودداری نماید. در آغاز سلطنت ناصر الدین شاه امیر کبیر صدر اعظم با کفایت و اصلاح طلب تصمیم گرفت از طریق دوستی امرای خوارزم را که همواره مایل به تبعیت از دولت ایران بودند (هدایت، همان: ۱۲۵).

تزار روس به این نکته پی برد که توسعه طلبی در غرب با موانع جدی روبه روست و شرق فرصت و امکانات بیشتری در اختیارش قرار می دهد. چنان که پیش از این در معاهده ی گلستان به سال ۱۲۲۸ ه ق و ترکمنچای به سال ۱۲۴۳ ه ق موفق گردیدند قسمت های وسیعی از خاک ایران را جدا نمایند. منطقه شرق خزر به محل منازعه ایران و روسیه تبدیل شد.

- تدوین آیین نامه نمای ساختمان و نوع مصالح و تعداد طبقات و شیوه کار به لحاظ معماری و ساخت
- عناصر عظیم و بزرگ مقیاس در وسط میادین به قصد ایجاد نقطه دید ثابت و ساخت بناهای دولتی و عمومی در اطراف خیابان.
- گسترش و ایجاد پارک های وسیع در قلب شهرها
- تهیه نخستین نقشه اصولی تهران در سال ۱۳۳۷ ه.ش (۱۸۵۸ م.) توسط آگوستیوس کرشیش، استاد اتریشی مدرسه دارالفنون.
- نقشه دیگری نیز از تهران در سال ۱۳۷۰ ه.ش (۱۸۹۱ م.) توسط عبدالغفار (نجم الملک) تهیه شد.
- احداث خیابان های مستقیم و کالسکه رو مانند لاله زار
- احداث چراغ های گازی برای روشنایی برخی از خیابان ها
- توجه ویژه بر امتداد مستقیم، عرض مساوی، رعایت هندسه دقیق و اهمیت جداره نمای خیابان
- شبکه های شطرنجی متشکل از خیابان های جدید به میادین بزرگ شهر منتهی و خیابان به عنوان لبه ای قدرتمند در شهر
- احداث و توسعه راه آهن





-تاسیس فرهنگستان برای توسعه و تکمیل زبان فارسی و جایگزین نمودن آن ها به جای لغات بیگانه

نمودار ۲. نمودار تحولات نوگرا در عرصه قوانین و مقررات فضاهای شهری و عرصه اجرایی (نگارنده)

سیری بر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران در

دوره پهلوی اول

تحولات سیاسی

-تغییر نظام حکومتی از خاندان قاجار به خاندان پهلوی

-تشکیل حکومت دیوانسالار متمرکز

-تقویت نهاد های دولتی نظیر ادارات ثبت احوال، ثبت اسناد، پست، راه آهن و....

-سیاست تضعیف مذهبی

-تأثیرات ناشی از روحیه نظامی گری رضا شاه . ارتباط با آلمان

نازی و حضور متخصصین و مهندسين آلمانی در ایران

تحولات اجتماعی

-اعزام دانشجویان به خارج از کشور

-تغییر در آداب اجتماعی

-حضور مقتدرانه طبقه نظامیان در تشکلات حکومتی و دولتی و

فعالیت آن ها در همه زمینه ها از جمله کارهای عمرانی

-گرایش به ملی گرایی (ناسیونالیسم) به عنوان یکی از رایج ترین

محورهای فکری در دوره پهلوی اول

-تصویب قانون اجازه تاسیس دانشسرای عالی به منظور تربیت دبیر

و آموزگار

-تشکیل جمعیت نسوان و جمعیت تمدن نسوان و قانون بانوان در

راستای آزادی دادن به زنان در زمینه های مختلف

تحولات فرهنگی

-نشر روزنامه

-ورود متد های جدید آموزشی

-تاسیس سازمان پیش آهنگی

-تغییر نظام آموزش و پرورش کشور با تقلید ناقص از شیوه آموزشی

فرانسه

-رواج اسم های فرنگی

-گسترش تهیه نقشه ها و تحقیقات در مورد هنر و معماری گذشته

ایران توسط باستان شناسان و مستشرقان

اندیشه های نو سازی در عرصه شهر سازی و معماری در

دوره پهلوی اول

-حضور شرکت های پیمانکار خارجی نظیر کمپ ساکس و لیچفیلد

-حضور و فعالیت مستشرقان و باستان شناسان غربی مانند پوپ،

هرتسفلد، گدار، براون و.... در ایران

-افزایش گسترش ساخت بناها با روحیه نظامی گری در حاشیه

خیابان ها و میادین شهری ایران

-احداث کارخانه سیمان تهران در شهر ری

-ظهور پدیده برون گرایی در برابر درون گرایی معماری سنتی ایران

و شکل گیری پدیده بالکن سازی در نمای خیابان

-ایجاد کارخانه های تولید آجر ماشینی برای تولید آجرهای مرغوب

و یکدست

-چرخش جهت پنجره ها از درون به بیرون و تعریف تازه ای از

محرمیت در مقیاس محله (پنجره های بلند و مکرر در بناهای

دولتی)

-شروع مدرنیزاسیون زیر ساختی با احداث راه آهن و پل سازی،

میدان های نماسازی شده در تقاطع خیابان ها،

-بافت شطرنجی و احداث نخستین خیابان های متقاطع چلیپایی

(خیام و بوذرجمهری) و شکافته شدن بافت قدیم شهرها

-خیابان های مستقیم و کالسکه رو مانند لاله زار و علا الدوله در

محلات جدید

-تدوین و اجرای نقشه های شهرهایی چون تهران و همدان توسط

مستشرقان فرانسوی و آلمانی در سال های ۱۳۱۶ و ۱۳۱۰ ه.ش .

-تخریب دروازه های دوازده گانه حصار تهران برای احداث میادین

شهری

-تخریب تسطیحی و وسیع برخی از محله های قدیمی تهران (

مانند محله سنگلج) به جهت احداث ساختمان های بزرگ دولتی.

قرارداد آخال

قرارداد آخال قراردادی است که میان امپراتوری روسیه و قاجاری

ایران در ۲۱ سپتامبر سال ۱۸۸۱ م (۱۲۹۹ ه ق / ۱۲۶۰ ه ش) برای



فرهنگی بومی آسیای میانه تأثیر گذاشتند، تاشکند، بخارا و سمرقند به مراکز جدید بازرگانی صنعتی تبدیل شد و به تدریج با ترجمه ادبیات روسی به زبان ازبکی، فرهنگ روسی در ازبکستان ریشه دواند (بلیتنسکی، ۱۳۷۰: ۷۱-۷۰).

تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن نشین شرق دریای خزر بسته شد. این پیمان به اشتغال خوارزم به دست روسیه تزاری رسمیت بخشید.

پیشینه تاریخی ازبکستان

سرزمین ماوراءالنهر و ترکستان که امروزه به آسیای مرکزی معروف شده است، از گذشته های دور جزئی از قلمرو اصلی ایران بوده است (ویلبر و گلمیک، ۱۳۷۴: ۱۶۷). در دوره ی اسلامی ترکستان و ماوراءالنهر از مراکز مهم سیاسی و فرهنگی گردید و همگان از اهمیت تاریخی و فرهنگی شهرهایی مانند بخارا، سمرقند و خوارزم ... آگاه هستند.

بعد از شکست های ایران از روسیه و تضعیف دولت مرکزی نفوذ ایران در بعضی مناطق از جمله ماوراءالنهر و ترکستان تابع دولت ایران بودند کاهش یافت (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۹۱). تا زمان سلطنت فتحعلی شاه خوانین بخارا، مرو و خوارزم و سایر نواحی ترکستان تابع دولت ایران بودند و شاه فرمان حکومت آن نواحی را برایشان صادر می کرد، ایران نسبت به آن ناحیه حاکمیت صوری داشت (عسگری و کمالی، ۱۳۷۴: ۱۹۲-۱۹۱) منطقه شرق خزر به محل منازعه ایران و روسیه تبدیل شد (هدایت، ۱۳۵۶: ۱۲۵).

گسترش نفوذ و حاکمیت روس ها بر آسیای مرکزی در قرن نوزدهم و بیستم میلادی

سرانجام روس ها موفق به شکست قبایل تکه شدند و ایالت ماورای خزر را که بخشی از ترکمنستان بود به وجود آوردند و تحت سیطره خود قرار دادند. در سال ۱۸۸۴ م ۱۳۰۱ ه ق آخرین پایگاه های مقاومت بومیان یعنی ترکمانان ساکن بیابان های ماری و تجن قدرت روسیه را به رسمیت شناختند و با امضای قرار داد مرزی آخال با ایران توانستند آسیای مرکزی را تحت سیطره ی خود در آورند. (اسنادی از روابط ایران با آسیای مرکزی، ۱۳۵۴: ۱۳).

پس از فروپاشی شوروی و تشکیل جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS) در سال ۱۹۹۱ به چهار جمهوری مستقل قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان تقسیم شده اند (مانزو، ۱۳۸۰: ۷) ملیت های ساکن در ازبکستان به ترتیب گستردگی، ازبک، روس، تاجیک و تاتار هستند. در قرن بیستم روس ها به سرعت در حیات

شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نو گرا ازبکستان در دوره استعمار شوروی

هزار مایل دور تر از مسکو، ازبکستان در صحرایی از شن و ماسه سرخ قرار دارد. تاشکند به طور سنتی - و در بسیاری از جهات هنوز - مرکز زندگی روسی در آسیای مرکزی بود. این شهر در سال ۱۸۶۵ توسط روس ها تسخیر شد و به عنوان یک مرکز نظامی، سیاسی و اقتصادی برای ترکستان روسی در آمد. تحت مدیریت مداوم نظامی، این شهر تعداد زیادی از روس های نژاد پرست و سخنرانان روسی را از بخش های اروپایی امپراتوری، با شروع از افسران نظامی و مدیران تزار به خدمت گرفت. این رشد، تعداد زیادی از مهاجران از روسیه را (تبعیدیان، دهقانان، سربازان و کارگران نساجی و بوروکرات های دولتی) را در شهرک هایی که به سبک اروپایی ساخته شده بود در کنار شهرستان های سنتی آسیای مرکزی قرار می داد. ارتش روسیه به تدریج از تاشکند به سمرقند، خجند، بخارا و خیوه نقل مکان کرد، دو مورد آخر به دولت تزاری تبدیل شدند. (Stronski, 2010:8)

سلطه هفتاد ساله اتحاد جماهیر شوروی بر بخش گسترده ای از اوراسیا تجربه ای بی سابقه در تاریخ بشر به وجود آورد. برای اولین بار در تاریخ، کلیه فعالیت های فرهنگی، هنری و علمی یک امپراتوری در انحصار و اختیار دولت قرار گرفت. برای این کار سازمان های گسترده متشکل از نهادهای گوناگون تأسیس شد و هدایت، برنامه ریزی، تأمین بودجه و تعیین محتوای فرهنگ و هنر را بر عهده گرفت. اتحاد شوروی در سراسر دوران جنگ سرد، جایگاهی مهم در عرصه روابط بین الملل داشت و به عنوان یکی از دو ابر قدرت نظام دوقطبی در تحولات سیاسی و بین المللی جهان تأثیری گسترده داشت. به همین دلیل نیز نظام سیاسی، اقتصادی و سیاست خارجی و امنیتی شوروی مورد توجه و پژوهش محققان و تحلیل گران دنیای غرب قرار گرفته است. اما تأثیر سلطه هفتاد ساله اتحاد شوروی بر بخش وسیعی از اوراسیا بسیار فراتر از ابعاد سیاسی



رقص پردازی روسی در رقص های سنتی وارد شد و عناصری از موسیقی غربی مانند ارکستراسیون و هارمونیزه کردن نیز در موسیقی سنتی تلفیق شد. (عطایی، ۱۳۸۸: ۱۰۰) در این میان یک استثناء وجود داشت؛ هنر مذهبی به شدت مورد مخالفت قرار گرفت. بنابراین، در دوران شوروری خوشنویسی، معماری اسلامی و نگهداری بناهای تاریخی که ارزش مذهبی داشت، به شدت تضعیف شد. علاوه بر این، تغییر القبا به سیریلیک در دهه ۱۹۳۰ ضربه شدیدی به زبان ها و ادبیات مردم آسیای مرکزی وارد کرد و در نهایت منجر به تضعیف این زبان ها شد (عطایی، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

اندیشه های نو سازی در صورت شهری و معماری ازبکستان در سال های ۱۹۴۰-۱۸۷۰ م

در حالی که طرفداران رئالیسم (واقع گرایی) سوسیالیستی زیبایی را در تزئینات محلی یافتند، هیچ علاقه ای به فرم های بومی از خود نشل نمی دادند. حتی شاعران و آوازخوانان فرهنگ جدید علیه شهر بومی (مادری) صف آرای کردند. مستشرقان شوروی و مورخان شهری به این نتیجه دست یافتند که از پایان قرن پانزدهم شهرهای آسیای مرکزی در حال زوال و روبه انحطاط بودند. رکود آشکار در این قرن های پسین ساخت شهر آشکار شد که "با حفظ اشکال سنتی بدون ایجاد هیچ نوآوری و ابداع همراه بود. این وضعیت با معرفی حکومت امپراطوری روسیه تغییر یافت. شهرهای نظامی جدید مصنوعاتی از "فرهنگ متری پیشرفته" نشان می دادند که توسط خیابان های عریض، پارک ها و باغ های عمومی شاخص شده بود. تحسین برنامه ریزان شهری قرن نوزدهم، بر مبنای تتولوژیک (حکمت غایی) و نه تاریخ استوار بود. طرح ۱۹۳۵ مسکو به عنوان یک مدل برای شبیه سازی پیشنهاد شد، و طرح های جامع مانند آنچه که توسط بلاتوف (M. Bulatov) برای سمرقند در طول مدت اتحاد جماهیر شوروی توسط معماران محلی در همکاری با محققانی از مسکو و لنینگراد کشیده شد. چشم انداز های هوایی از طرح بلاتوف نشان می دهد سابقه مسکوویت در برنامه ریزی شعاعی و حلقه ای بلوارها تقسیم کننده شهر به بخش های چهارگوش اجرایی (اداری)، تقسیم کردن زمین را به قطعات بسیار بزرگ و تقارب و همگرایی این خطوط جدید شهری بر روی یک میدان بزرگ و طراحی شده برای نمایش شکوه و عظمت فضا. قلع

و اقتصادی است و کلیه جنبه های حیات مردم این منطقه وسیع را شامل می شده است. یکی از موضوع های مهم دوران اتحاد شوروی که در خارج از بلوک شرق بدان توجه نشده مدیریت فرهنگ و هنر در این امپراتوری بوده است. طی هفتاد سال سلطه نظام سوسیالیستی اتحاد شوروی، دولت مرکزی، مدیریت و اجرای کلیه فعالیت های فرهنگی و هنری را در سراسر این امپراتوری وسیع در اختیار و انحصار داشت و از این نظر تجربه ای بی سابقه در تاریخ بشر به وجود آورد. در تاریخ سابقه نداشت که دولتی در گستره ای چنین وسیع تمام جنبه های فعالیت های فرهنگی و هنری شامل برنامه ریزی، تأمین بودجه، نظارت، تعیین محتوی و ارزشیابی و ارتقای اهل هنر را در انحصار خود داشته باشد. از این نظر مطالعه این تجربه و بررسی و ارزیابی عملکرد و اثرات آن ضروری و آموزنده است. منطقه آسیای مرکزی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی پنج جمهوری نو استقلال ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان را شامل می شود، به طور مستقیم از این تجربه هفتاد ساله شوروی تأثیر پذیرفته و فرهنگ و هنر آن دستخوش تحولات گسترده شده است. آسیای مرکزی از دیرباز یکی از مهمترین مراکز تمدنی و فرهنگی بشر به شمار می آمده است و (ایرانیان) سهم اصلی در ایجاد و گسترش این فرهنگ و تمدن داشته اند. سامانه ای فراگیر برای انجام این پروژه بیسابقه در سراسر اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شد. یک ویژگی مهم این سامانه یکسانی آن با نهادهایی مشابه در هر جمهوری و کنترل مرکزی مسکو بود. این امر به دلیل اهمیت فرهنگ و هنر در رهنما مارکسیست لنینیست بود که تلاش میکرد عناصر نامطلوبی را که منشأ گرایش ها و رفتارهای بورژوازی هستند، حذف کند. این رهنما نقش قاطع دولت را در هدایت فعالیت های فرهنگی الزامی میدانست. دولت از فعالیت های فرهنگی و هنری، حمایتی قابل ملاحظه می کرد. این حمایت کلی بود. هم فرهنگ و هنر غربی و هم فرهنگ و هنر بومی را در بر میگرفت. موسیقی کلاسیک، اپرا، باله، تئاتر و سینمای غربی در دهه ۱۹۳۰ به منطقه آورده شد. دانشجویان به هنرستان های موسیقی مسکو، لنینگراد و کیف اعزام شدند و با زیر نظر استادان روس در جمهوری های خودشان تعلیم یافتند. فرهنگ و هنر بومی نیز مورد توجه قرار گرفت. فولکلور به طوری نظام مند مطالعه می شد و آوازا و رقص های سنتی به طور حرفه ای ضبط و اجرا میشد.



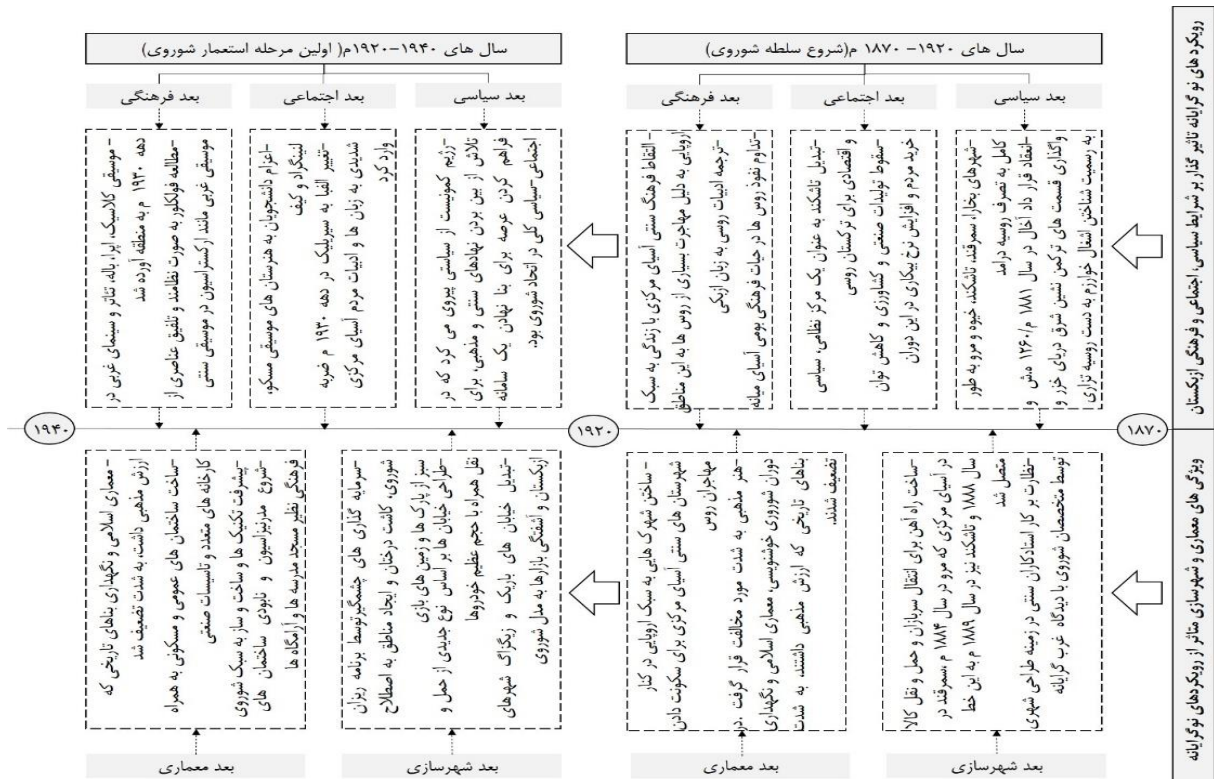
شوروی آسیای مرکزی، ساختار شکاف که از دوره های استعمار به ارث برده شده بود همراه با تمامی تبعیض های نژاد پرستانه منعکس می شد و تقریباً تمام روس ها در شهرهای جدید ازبک ها و تاجیک ها از سال های قدیم زندگی می کردند. میخائیلوف این مساله را خاطر نشان کرد که "مهم ترین واقعیت این تغییرات آن است که بسیاری از پزشکان ازبک، مهندسان، استادان و کارگران صنعتی در حال حاضر در شهر جدید زندگی می کنند. در پی تخریب گسترده، تقریباً تمام تاشکند به شهر جدید تبدیل شده است. ظهور یک "انسان جدید"، چند ملیتی در صورت و سوسیالیستی در محتوا، به وضوح بیشتر از واقعیت آشکار می شود. جداسازی قومی (نژادی) در شهرها به عنوان واقعیتی در محله های دست نخورده باقی ماند. روس ها همچنان به درک رژیم غذایی، لباس و آداب و رسوم فرهنگ مسلمان به عنوان آثار و بقایای فرهنگ آسیایی که از زندگی مدرن محو شدند، ادامه دادند. استالین هویت ملی به عنوان یک عنصر مجرد دقیق و مرز بندی شده در ساختار ذهنیت پس از استعمار سوسیالیستی تعریف کرده بود. ساخت و ساز جدید برای تقریباً یک دهه در آغاز جنگ جهانی اول و جنگ داخلی (۱۹۲۲-۱۹۱۸) متوقف شد (Abazov, 2007:243). از زمان امپراتوری روسیه، ویژگی غالب مراکز شهری آسیای میانه، همزیستی مناطق به اصطلاح جدید شهر با برنامه ریزی سبک اروپایی، معماری و خیابان های گسترده و مناطق به اصطلاح قدیمی شهری (اسکی شار^۱) با خانه های معمولی آسیای میانه، مساجد، و خیابان های تنگ و پیچیده بوده است (Zamaniaghaiee & Soltanzadeh, 2017:4). مقامات شوروی معتقد بودند که خیابان های باریک و زیگزاگ شهرها و شهرستان های آسیای مرکزی و هرج و مرج و آشفته گی بازارها باید به مدل شوروی تبدیل شوند. معماران و مهندسان، مناظر مدرن و برنامه ریزی معماری را برای شهرهای جدید و قدیمی ترسیم کردند. در این فرایند، بسیاری از خانه های مسکونی قدیمی و ساختمان های عمومی، به ویژه ساختمان های فرهنگی و مذهبی - مساجد، مدرسه ها و مقابر (آرامگاه ها) را نابود کردند. اغلب، تمامی بخش ها و محله ها با بولدوزر صاف شدند تا راه های جدید برای ایجاد آپارتمان ها، کارخانه ها، مراکز ورزشی و هنری و مدارس به وجود آید. این مدل ها به واسطه ی مفهوم

و قمع کردن کوچه های باریک و پر پیچ و خم در شهر پیشین نشان می دهد که سمرقند جدید شهری بود که با سرعت و شاید برای نظارت و مشاهده دقیق جاسوسانه ساخته شده بود. (نظارت دقیق مانند جاسوسان و جنایتکاران). الزامات حمل و نقل مدرن پایه و اساس مداخلات سریع را در دهه ۱۹۲۰ فراهم کرد زمانی که دروازه های عظیم شهر که در محاصره همسایگان بومی قرار داشت و بر روی آن ها بسته بود، ساعتی باز نگه داشته شد تا اجازه عبور اتوبوس ها را بدهد. همانند بسیاری دیگر از شهرستان های جماهیر شوروی، سمرقند به خوبی توانست بر طبق فرایند توسعه کلی تجویز شده در طرح جامع ۱۹۳۹ خود عمل کند. تامین مالی برای ساخت و ساز شهری در اغلب موارد توسط نیازهای واقع بینانه وزارتخانه های صنعتی صورت می گرفت تا تمایلات زیبایی شناسانه و ایدئولوژیک مدیران شهرستان و معماران . بجز در مورد شهر های نمایش داده شده (و بعدها، شهرهایی که توسط جنگ ویران شدند)، بودجه ها برای رویکرد بدون فکر و ساده لوحانه بازسازی شهری که در طرح های دهه ۱۹۳۰ نشان داده شده بود، اغلب در دسترس نبود. (موجود نبود). استثنایی تاسف بار در تاشکند بود. تاشکند به عنوان پیشرفته ترین شهر منطقه، نشانه استاندارد از استعمار روسیه را در تقسیم آن به یک شهر جدید قرن نوزدهمی و یک شهر قدیمی اسلامی سپری می کرد. این دومین چشم انداز تصورات «آسیایی» از نقش نمایندگی شهر به عنوان یک پایتخت ملی محسوب می شد. برای ادعای داشتن یک تصویر مناسب از شهر جدید ازبکستان، خیابان آلیشار ناووی، که توسط بلاتوف و اسمیرنوف در سال ۱۹۴۳ م. طراحی شده ، از میان (از وسط) شهر قدیمی از طریق مسیرهای عریض و مستقیم به منظور گسترش و اصلاح مسیرهایی از قبیل خیابان جورکاچا طراحی شد. خیابان نووی به شهر قدیمی با گسترش شبکه شربانی بومی منطقه استعمار نفوذ کرد و هر ساختار بومی را در مسیر خود تخریب کرد. از دیدگاه واقعگرایی سوسیالیستی، جابجایی قدیمی ترین محله های تاشکند با آثار جدید خیابان آلیشیرس نووی هیچگونه معنی و مفهومی از سنت نداشت. محصول نهایی، پیروزی دیگری از روند رو به رشد شرق یونان سوسیالیستی نسبت به دیگر جوامع آسیایی بود. در قلب شهر قدیمی ، که تا آن زمان تحت حاکمیت اسلام بود، بنای تاریخی لنین وجود دارد. در تمام شهرهای

¹ . Eski Shaar



صنعتی سازی و شهرنشینی شوروی هدایت می شد و به ویژه برای نوع جدیدی از حمل و نقل همراه با حجم عظیم خودروها در دهه ۱۹۳۰ م. طراحی شده بود. همراه با این تغییر مهم، افزایش مراکز شهری جدید مانند تاشکند^۲ و بسیاری دیگر اتفاق افتاد در حالی که مراکز فرهنگ، و سیاست، قدیم، (مانند بخارا^۳ و سمرقند^۴) کاهش،



نمودار ۳. رویکردهای نوگرایانه تأثیرگذار بر شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عرصه های معماری و شهرسازی ازبکستان در فاصله سال های ۱۸۷۰-۱۹۴۰ م. (نگارنده)

نتیجه گیری

در ادامه می توان به این مساله نیز اشاره نمود که در زمان رضاشاه و دوره پهلوی اول تغییرات همه جانبه در راستای تجربه مدرنیته به شکل پررنگ تری در ایران جلوه گر شد. زیرا تا قبل از آن اکثر بناها به دست معماران سنتی و با میراث معماری و تکنولوژی سنتی ساخته می شدند و از این دوران با ورود معماران و باستان شناسان خارجی گرایش به تجربه شیوه های مدرنیستی اروپایی و ترویج آن در ایران صورت می گیرد که برخی از زمینه های بروز و گسترش این گرایش در ایران در طبقه بندی زیر ارایه شده است:

• تأثیرات ناشی از عملکردهای جدید

تحولات جدید سیاسی و اجتماعی از مشروطیت به بعد و با تدوین قانون اساسی وارد مرحله تازه ای شد و با وقوع اغلب این دگرگونی ها از سال ۱۳۰۰ ه.ش به بعد عملاً تحولات دوره پهلوی با دوره قبل از آن متمایز گشت.

جامعه سنتی ایران که اندک تأثیر و یا تقلید را در دوره قاجار از جامعه مدرن اروپا آموخته بود با روی کار آمدن رضاخان خود را با دنیای مدرن، صنعتی، پیشرو و دگرگون شده ای مواجه دید و به یکباره خود را در چرخه این تغییرات قرار داد و در آهنگ شتابانی که به خود گرفت ملزم به پذیرش پدیده های نوینی شد که پیش از این هیچ گاه در تاریخ ایران سابقه وجودی نداشت. همین اتفاق نیز در معماری با تأثیرات صوری و جزئی در دوره قاجار و دگرگونی های عمیق و بنیادی در دوره پهلوی اول صورت گرفت. همه این تحولات در بعد اجتماعی آن، نیازهای تازه و در بعد معماری آن، عملکردهای جدید بود که در واقع ریشه در تحولات انجام شده در غرب داشت. ظهور مهندسی در قرن ۱۸ و شکوفایی آن در قرن ۱۹ اروپا حاصل دیدگاه های تازه در عرصه تکنولوژی و عصر صنعتی بود که فعالیت های عمرانی را از معماری جدا ساخت. اختراع و به کارگیری مواد و مصالح جدید نقش شایانی در این تحول داشت.



نمودار ۴. مقایسه سیاست های شهری و معماری متأثر از رویکردهای تجدید طلبانه در ایران و ازبکستان در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول (نگارنده)

عامل زمان و مفهوم آن نقش تعیین کننده ای در این حرکت تحول ساز معاصر داشت. موقعیت ثابت و تغییرات کند گذشته به وضعیتی پویا، غیر یکنواخت و شتابان دوره معاصر تبدیل شده بود. کندی سرعت تحولات در گذشته فرصت تطبیق و هماهنگی با نیازهای معماری را ایجاد می کرد اما تغییرات اجتماعی جدید، زمان تحولات معماری را نیز دستخوش سردرگمی و نارسایی کرد و به ناچار معماری جدید با عملکردهای جدید به پذیرش آن نوع معماری روی آورد که تغییرات و نیازهای اجتماعی آن را پذیرا شده بود.

همچنین عصر صنعتی و پدیده انتقال صنعت از اروپا به ایران شکلی از معماری جدید و بین المللی را با نام صنعتی به ارمغان آورد که شروع آن تاسیس پی در پی کارخانه های کوچک و بزرگ صنعتی بود. در ساخت این کارخانه ها و مراکز صنعتی، الگو، طرح، اجرا و نظارت همگی توسط خارجیان و به ویژه متخصصین آلمانی، روسی، فرانسوی و بلژیکی صورت گرفت و در این میان تنها نقش معماری گذشته و با معمار سنتی تطبیق و هماهنگی متناسب و هنرمندانه این احجام بزرگ، خشن و فلزی با محیط و روحیه معماری ایرانی به توسط نماسازی و استفاده از آجر و بعضا کاشیکاری در ظاهر نما و ورودی آن بود.

13 • تاثیرات ناشی از مدرن گرایی

مدرن گرایی از دو جنبه مدرنیته به عنوان یک تحول اجتماعی و مدرنیسم به مثابه یک ایدئولوژی مطرح می شود و براساس آن می

و پس از سال ها حاصل کار این شد که معماری با در اختیار گرفتن یافته های جدید تکنیکی و ساختمانی توانست به بیان نظری و سبکی خود در عصر تازه اروپا بپردازد.

دوره پهلوی اول با تاخیراتی کوتاه و بلند نسبت به اروپا و در زمینه های مختلف به آنچه آنان یافته بودند، روی آورد و با استفاده از امکانات نوین عمرانی و ساخت راه ها، راه آهن، پل ها، کارخانه ها و ساختمان های بزرگ و متعدد قدم در مرحله ای با نام توسعه عمرانی گذشت. همگام با برنامه توسعه و نوسازی رضا شاه، عملکردهای تازه با ورود به ایران، خصلت و هویتی دولتی گرفت که فی الواقع از اصول دوران پهلوی بود و حکومت خود را متولی همه آن ها می دانست. بنابراین ساخت و ساز آن ها نیز در دست دولت قرار گرفت و این شامل عملکردهای اداری، نظامی، فرهنگی، آموزشی، عمرانی و حتی خدماتی شد. بدیهی بود که نیازهای تازه اجتماعی، عملکردهای تازه ای نیز می طلبد و در این عملکردها تا آنجا که به معماری و شهرسازی مرتبط می شد فضاهای تازه را در پی داشت. این عملکردهای تازه پیشینه ای در معماری ایران نداشت و رویکرد به معماری تازه و وارداتی را اجتناب ناپذیر ساخت. به عبارت دیگر، اینک این اندیشه شکل گرفته بود و نوسازی دولتی این القا را ایجاد کرده بود که جامعه امروز، بیش از آنکه به دارالخلافه، عصار خانه و برج و بارو و قلعه



سلسله مراتب فضای معماری از سبک نئوکلاسیک بودند. ساختمان های دانشگاه تهران به خوبی واجد این صفات دوگانه است.

• تاثیرات شهرسازی جدید

اجرای شهرسازی نوین در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول نخست با اهرم تعیین کننده تغییر در ساخت قدرت آغاز گشت و مدل های شهرسازی اروپای قرن نوزدهم الگوی توسعه شهر از هر طرف به ویژه شما شهر شد. پیوندی که بین شهرسازی کهن و نوین در اروپا بود و سیر جریان مدرن در شهرسازی غرب علاوه بر احترام و محافظت از بافت کهن، حرکت های جدید را در ادامه روند قبلی منطبق می ساخت. اما شهرسازی ایران به ویژه در دوران پهلوی اندیشه خصومت آمیز با گذشته و شیفتگی بی محابا به طرح های نوین معاصر داشت. بلدیة یا شهرداری به عنوان بزرگترین مجری شهرسازی در این دوره به سازمانی وسیع و قدرتمند تبدیل شد و نظریات شخصی در قالب قوانین و دستورالعمل های پی دی پی و نیز غیر آینده نگرانه، نظام سنتی را که بیشتر بر مبنای ضوابط دینی، عرفی و نیز سنتی بر حق مالکیت خصوصی و عدم دخالت وسیع حکومت بود مطرود کرد.

در این دوران شهرسازی نوین پیاده گشت که کالبد شهرها را دچار تغییرات فراوان ساخت. شاخص ترین تغییرات کالبدی شهر عبارت بودند از:

-تخریب دروازه های دوازده گانه حصار تهران که به طور معمول به جای آن (برای گره های رفت و آمد) میادین احداث شد.
 -فروریزی حصار تهران قدیم (حصار ناصری و پر کردن خندق ها و احداث چهار خیابان مهم و عریض بر روی دیوار حصارها در سال ۱۳۱۱ ه.ش.

-تخریب تسطیحی و وسیع بعضی محله های قدیمی تهران (همچون محله سنگلج و یا محله دولت) به جهت ساخت و استقرار ساختمان های بزرگ دولتی.

مدرنیسم علاوه بر اینکه یک حرکت و بینش تازه اجتماعی بود در شکل معماری خود (نهضت معماری مدرن) نیز تاثیر مستقیمی بر معماری این دوره گذاشت. بدین معنی علاوه بر تاثیرات حوزه های دیگر بر معماری، این تاثیر دوم، تاثیر از حوزه معماری بر معماری بود. در نتیجه می توان در باب مدرنیته و مدرنیسم در ایران حالات زیر را برشمرد.

-مدرن گرایی در ایران در پی مدرنیسم اروپایی بود اما عملا دو راه متفاوت پیموده شد و حاصل فرایند مدرن گرایی چنان شد که از آن به شبه مدرنیسم (مدرنیته ایرانی با ویژگی معلق بودن) تعبیر گردید. -برداشت نخواستگان ایران از مدرنیسم برداشتی سطحی از نوسازی و توسعه بود، بدون آنکه درکی درست از ریشه های عمیق مدرن گرایی داشته باشند. بدین گونه تحولات بزرگ و بنیادین در اروپا و غرب به پالایش ها و رفرم های سطحی و البته وسیع در ایران تبدیل شد.

-تحولات مدرنیسم اروپا انسجام تشکیلاتی و سیستماتیک بود در صورتی که در ایران این تحولات بر اساس خواسته های انفرادی به شکلی انجام شد که هنوز ریشه های رفتاری نظام سنتی در آن پابرجا بود.

-مکتب معماری مدرن بیشتر به وسیله دانش آموختگان ایرانی از فرنگ آمده که در سال های آخر دوره پهلوی اول به ایران بازگشتند به ارمغان آورده شد. از آن رو که نهضت مدرنیسم در معماری، همچون دیگر مکاتب نخست در دانشگاه ها مورد توجه و آموزش قرار گرفت.

-آغاز نهضت معماری مدرن یا اوایل مدرن در اروپا و در یک مقطعی با رواج نئوکلاسیسیسم همزمانی داشت در واقع تا زمان دهه بیست اروپا که اصول جنبش معماری مدرن عالییه حاکمیت یافت این دو از مطرح ترین شیوه های رایج بودند. به همین دلیل انعکاس این سبک ها- با اندکی تاخیر- در ایران نیز برپایی بناهایی با تلفیق از این دو شیوه است. بناهایی که علاوه بر داشتن ویژگی های سادگی و عملکردیاز معماری مدرن، دارای صفات تقارن، توازن و رعایت



-اسنادی از روابط ایران با مناطق آسیای مرکزی. ۱۳۷۲. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سند ش ۱۰.

-اعتصام، ا. ۱۳۷۵. بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا. در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران: ارگ بم- کرمان (دوره اول) ج ۳.

-اعتماد السلطنه، م. ح. خ. ۱۳۶۷. تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۱، ۳، تهران: دنیای کتاب.

-ایوانف، م. س. ی. ۱۳۵۶. تاریخ نوین ایران. ترجمه هوشنگ تیزابی، تهران: نشر بیتا.

-بارتولد، و. ۱۳۷۶. تاریخ ترک های آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی، تهران: انتشارات توس.

-بانی مسعود، ا. ۱۳۸۸. معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: نشر هنر معماری قرن.

-بانی مسعود، ا. ۱۳۸۹. معماری غرب: ریشه ها و مفاهیم. تهران: نشر هنر معماری قرن.

-باور، س. ۱۳۸۸. نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران. تهران: نشر فضا.

-بحرینی، ح. ۱۳۷۷. فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

-بدری، ر. ا. ۱۳۹۱. تحولات سیاسی-اجتماعی آسیای مرکزی در سده ی نوزدهم میلادی، فصلنامه مسکویه، شماره ۲۲.

-جهانگیر، م. ۱۳۲۷. تاریخ نو، به کوشش عباس اقبال. تهران: کتابخانه ی علی اکبر علمی و شرکاء.

-حبیبی، م. ۱۳۷۵. تحول و گسترش تهران در زمان رضا شاه. در مجموعه تهران پایتخت دویست ساله. تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران-انجمن ایرانشناسی فرانسه.

-صدیق، ع. ۱۳۵۴. تاریخ فرهنگ ایران: از آغاز تا زمان حاضر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

-عسگری، ا. محمد شریف، ک. ۱۳۷۴. ایرانیان ترکمن، تهران: انتشارات اساطیر.

-کیانی، م. ۱۳۸۳. معماری دوره پهلوی اول. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

-مقتدر، م. ۱۳۷۵. تهران درون حصار: از صفویه تا آغاز پهلوی. در شهریار عدل و برنار اورکاد (زیر نظر). تهران پایتخت دویست ساله

-احداث نخستین خیابان های متقاطع (چلیپایی) در تهران (خیام و بوذرجمهری) که در ادامه این روند بافت قدیم شهرها قاطعانه شکافته شد.

-تعریض کوچه ها و خیابان های بافت قدیم که بالتبع تخریب جداره های اصلی و سائمان های حاشیه ها را در برداشت.

-تخریب قابل توجه آثار با ارزش دوره قاجار به جهت ضدیت صرف در قلمداد نشانه های عقب ماندگی در این دوره.

-شکل گیری و رشد محلات مختلف جدید که درست منطبق بر پدیده تمایز طبقات جدید اجتماعی بود.

- در دوران پهلوی اگر به معماری سنتی و یا باستانی به دلایل و میزان خاص از طرف حکومت توجه شد و نشانه هایی را از معماری گذشته در این دوره به کار گرفت، اما در شهرسازی یکسره الگوی شهرسازی نوین اروپا با تمام ویژگی های منحصر به آنجا در نظر قرار گرفت. در این شهر فرنگ هیچ گونه الهام یا بهره ای از شهرسازی کهن ایران دیده نشد.

منابع

-آبراهامیان، ی. ۱۳۷۶. مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: شیرازه.

-آرشیو میراث فرهنگی گیلان.

-آقایی، م. ۱۳۹۰. طهران: عکس هایی از تهران قدیم و نگاهی تطبیقی به تهران قدیم و امروز (۱۲۴۱ تا ۱۳۹۰). جلد اول، تهران: سازمان زیبا سازی شهری.

-آلپاگونوولو، آ. ۱۳۸۴. نوشیدن از چاه خویش. ترجمه علی محمد سادات افسری، در معماری بومی، تهران: نشر موسسه علمی و فرهنگی فضا.

-اتحادیه، م. ۱۳۷۷. اینجا تهران است: مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ هجری قمری. تهران: نشر تاریخ ایران.

-اژدری، ع. ۱۳۲۶. ساختمان خانه های ارزان در ایران. آرشیوکتک، سال اول، شماره ۴، ۱۳۳-۱۲۵.

-اسکرس، ج. ۱۳۷۵. نقش معماری در پیدایش تهران. ترجمه احمد سیدی. فاطمه وثوقی در تهران پایتخت دویست ساله. تهران: روشنگران.



-Meuser, Ph. 2016. Seismic Modernism Architecture and Housing in Soviet Tashkent. Germany: Dom publishers.

- Paskaleva,E .2013 .The cityscape of Modern Central Asia, The newsletter,No.66

-Rani naik, N .2003. Socio-Cultural Changes In Post soviet Kyrgyzstan And Uzbekistan, Thesis submitted to the Jawaharlal Nehru University for the award of the Degree of Doctor Of Philosophy , Centre For Russian, Central Asian And East European Studies School Of International Studies Ja Waharalal Nehru University.

-Rujivacharakul, V.Hahn, H. Tadashi, O & Christensen, P. 2013. Architecturalized Asia . United States: University of Hawai'i Press.

-Stronski, P. 2010. Tashkent: forging a Soviet city(1930-1966). Russia: University of Pittsburgg Press

-Vienna centre of architecture. 2013. Soviet Modernism 1955-1991: Unkhown History. Austria: park books.

-Zamaniaghaiee, L ,Solatanzadeh, H .2017. Interpretation of Quality and Dimensions of Intertextual Relations in Contemporary Public Constructions in Uzbekistan with Architectural works in this Country at Timurid Eera (Since 1960-1990), Space Ontology International Journal, Vol.6, Issue 4.

. تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران شناسی فرانسه.

-هدایت، ر.ق.خ. ۱۳۸۰. تاریخ روضه الصفاى ناصرى، زندیه، قاجاریه تا پایان جنگ اول ایران و روس. به تصحیح جمشید کیان فر، تهران: نشر اساطیر.

-Abazov, R. 2007. Culture and customs of the central Asian republics. Greenwood Press, Westport, United States

-Akhmedov, U. Nazarova, D. 2015. About the initial urban planning culture in Uzbekistan.Architecture and Construction of Uzbekistan. International Journal of Scientific & Technology Research, 4(3), 45-49.

-Akhmedov M.K., Saidova, U.Kh. 2009. About the initial urban planning culture in Uzbekistan.Architecture and Construction of Uzbekistan, Princeton University Press.

- Bell, j .1999. Redefining national identity in uzbekistan: symbolic tentions in tashkent's official public landscape, Ecumene, Published by: Sage Publications, Ltd Vol. 6, No. 2. pp. 183-213,

-Benjamin, C. 2018. Soviet Central Asia and the Preservation of History, Frederik J Meijer Honors College, Grand Valley State University, Allendale, MI 49401, USA

- Castillo, G. 1997. Soviet Orientalism: Socialist Realism and Built Tradition. TDSR, 7(2), 33-47.

-Gangler, A. 2102. Tashkent In Change. Transformation of the URB an Structure Research Project Promoted By The VW Stiftung

-James Brown, E . 2009. Islam As Ideology: The POolitics Of The Islamic Revival In Post soviet Central Asia, A Thesis submitted to the Faculty of Graduate Studies of The University of Manitoba in partial fulfilment of the requirements of the degree master of art.

- Lapidus, I. M. 1989. A History of Islamic Societies, Cambridge: University Press.

-Lewis, R, Rowland, R. H. Rowland and, R. S.C. 1975. "Modernization, Population Change and Nationality in Soviet Central Asia and Kazakhstan", Canadian Slavonic Papers, No.17